

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره سوم - خرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۹

بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی منحصر بفرد جوامع‌الانشای حسین هروی

(ص ۳۸-۱۹)

محمدمهدی خسرویان<sup>۲</sup>، سیدمرتضی میرهاشمی<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)، حبیب‌الله عباسی<sup>۴</sup>،

عصمت خویینی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۸

### چکیده

جوامع‌الانشاء اثر حسین هروی مهمترین کتاب دیوانی باقی مانده از عصر سلطان حسین بایقراي ثانی است. از خلال این اثر منشیه‌ها می‌توان تحولات دستگاه دیوانسالاری و مسائل مترتب بر آن را در واپسین دوره عصر تیموریان شناسایی کرد. این اثر آگاهی‌های ادبی و تاریخی ارزشمندی از اوضاع دیوانی پرآشوب اواخر عهد تیموری که در زمره بارورترین ادوار فرهنگی در طول عصر تیموریان نیز به شمار می‌رود، پیش روی خواننده می‌گذارد. نسخه منحصر بفرد جوامع‌الانشاء که تک‌نسخه آن به شماره ۴۳۰۱ در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه نگهداری می‌شود، تاکنون به زیور طبع آراسته نشده و از هویت حسین هروی (صاحب اثر) جز همین نام چیزی دیگر نمی‌دانیم؛ زیرا نام و نشانی از او در هیچیک از متون آن عصر دیده نمی‌شود. بررسی خصایص سبکی این اثر نشان می‌دهد مقدمه نامه‌ها سرشار از آرایه‌های ادبی و انواع و اقسام صنایع بیانی و بدیعی است و متن نامه‌ها اندکی ساده‌تر از آغاز نامه‌هاست. مهمترین ویژگی‌های زبانی جوامع‌الانشاء وفور لغات ترکی و مغولی و عربی و اصطلاحات و عبارات و جمع‌های مکسر عربی است. ادبیت نامه‌ها نیز مرهون استفاده نویسنده از انواع کنایات و سجع و موازنه و جناس و واج‌آرایی و تضاد و تنسیق الصفات و امثال و اشعار فارسی و عربی و تلمیحات است. در حیطه مختصات فکری نیز جبریاوری و مشرب صوفیانه صاحب اثر در تعدادی از نامه‌ها مشهود است.

**کلمات کلیدی:** جوامع‌الانشاء، حسین هروی، منشآت، ترسل، نامه‌نگاری.

<sup>۱</sup> - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (mmkhosravian@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (d\_mirhashemi@yahoo.com)

<sup>۴</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (h.abbasi@khu.ac.ir)

<sup>۵</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (E.khoeini@yahoo.com)

## **An Investigation into the Stylistics of the Unique Manuscript, Javame-ul- Ensha**

Mohammad Mahdi Khosravian<sup>1</sup>, Seyed Morteza Mir  
Hashemi<sup>2</sup>(correspondent author), Habibollah Abasi<sup>3</sup>, Esmat Khuini<sup>4</sup>

### **Abstracts**

Collection of Compositions or Javame-ul-Ensha by Hossein Heravi is one of the most important Administrative Book remaining from Sultan Hossein Bayghra II. Within this secretarial work, one could identify the beaurucrartic developments and issues thereof during the last days of the Tamurid Period. It provides the reader with valuable literary and historical insights into the tumultuous administrative situation during the end of tamurid era which is incident marks one of the most prolific cultural periods .

The unique copy of Javame-ul-Ensha which is held under number 4301 in Ottoman Noor Library in Turkey, has never been reprinted and much is not known about its author beyond his name, Hossein Heravi. He has not be referenced in none of the text dating from that period. By reviewing the stylistic characteristics, it is seem that the letters of introductions is filled with literary arrangement and all types of oratorical and novel constructs. The main text of the letters are somewhat more simple than the letters introductions. The most outstanding linguistic characteristic of Javame-ul-Ensha is the propensity if Turkish, Mongol and Arabic terms as well as Arabic idioms, phrases and broken plurals. The literary style of the letters owes much to authors' use of all kinds of Aliases, rhymed prose, counterpoints, paronomasia, alliterations, contrastive, selected attributes, colloraries, and poetry (Arabic and Persian) as well as hints. A number of epistles point out to the deterministic and mystical attitude of the author.

**Keywords:** Javame-ul-Ensha, Hossein Heravi, Epistolary, correspondence

---

<sup>1</sup>- PhD student of Persian Language and Literature, University of Kharazmi, Tehran, Iran (mmkhosravian@ut.ac.ir)

<sup>2</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Kharazmi, Tehran, Iran (d\_mirhashemi@yahoo.com)

<sup>3</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Kharazmi, Tehran, Iran (h.abbasi@khu.ac.ir)

<sup>4</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Kharazmi, Tehran, Iran (E.khoeini@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

فرهنگ و تمدن غنی ایرانی همواره در اعصار گذشته خدمات گسترده و متنوعی به تاریخ و تمدن بشری ارائه نموده است. براین اساس «از جمله دستاوردهای بشری که جهان، آن را مدیون ایرانیان است، فن مملکت داری و تشکیلات اداری است» (درآمدی بر دیوانسالاری در ایران: ص ۵) دیوانسالاری ایرانی پرسابقه‌ترین نهاد اداری\_سیاسی در طول تاریخ ایران بزرگ بوده است. نه فقط در عهد باستان کهن، بلکه در عهد باستان جدید نیز دولت‌های ایرانی دارای سازمان اداری ویژه بودند و این ساختمان اداری به عهد اسلامی نیز منتقل گردید. فارغ از فراز و فرودهای نهاد دیوانسالاری در دوران سلسله‌های مختلف، بنیان و اساس آن ایرانی بوده و همواره ایرانیان در رأس نهاد دیوانسالاری بوده‌اند. بخش‌های مختلف نهاد دیوانسالاری از جمله دیوان رسایل نیز همیشه در اختیار ایرانیان بوده و همین امر سبب توسعه این نهاد و تألیف آثار متنوعی پیرامون دیوانسالاری سلسله‌های حکومتگر در همه زمان‌ها به زبان فارسی گردیده است.

در عصر تیموری تاریخ‌نویسی و منشآت‌نگاری یا ترسل رشد چشمگیری یافت و شماری از منشآت به خامه مورخانی نوشته شد که آثار تاریخی‌شان در زمره منابع موثق عهد تیموری به شمار می‌رود؛ به دیگر سخن، ادیب - مورخان دوره‌های پیشین در عهد تیموری نیز با قوت تمام به فعالیت خود ادامه می‌دادند. «بسیاری از ادب‌پژوهان، دوره تیموری را پایان ادبیات کلاسیک فارسی محسوب می‌کنند؛ چرا که آخرین بازماندگان و استادان شعر و ادب نظیر جامی، کاشفی، خواجه‌جهان و... در این عصر ظهور کرده‌اند.» (بررسی سبک ترسل اسفزاری: ص ۴۲۸). تیمور مورخانی برجسته در دربار خود به کار گرفت و تکیه و تأکید بر ساده‌نویسی در امر نگارش تاریخ، قانون و اصل کلی نگارش‌های آن عصر بود. تمایل به حفظ نام و نشان تنها محدود به عرصه تاریخ‌نویسی نبود؛ بلکه حفظ دستورات و منشورات شخصی، اداری و شاهانه که از دوره خوارزمشاهیان و سلاجقه آغاز شده بود در عهد تیموری رو به فزونی نهاد. با آنکه وجه ادبی آثاری که به منشآت نامبردار است بر جنبه‌های تاریخی و اجتماعی آن‌ها چیرگی دارد؛ این آثار سرشار از داده‌های تاریخی بوده و همپای نوشته‌های مورخان درباری گویای وضعیت سیاسی و اجتماعی و نیز تشکیلات اداری یک دوره است. برخی از اطلاعاتی که در منشآت آمده در هیچ‌یک از آثار تاریخی یک عهد دیده نمی‌شود؛ زیرا نگارش‌های منشایانه به سبب حضور منشی در متن رخدادهای دیوانسالاری حاوی جزئیات فراوان است.

جوامع‌الانشاء در زمره همین قسم آثار منشایانه و دیوانی در عصر تیموری است که مجموعه‌ای از منشآت و نامه‌های دولتمردان و دانشوران و سرایندگان عصر تیموری را در

خود جای داده و زوایای تحولات دیوانی عصر سلطان حسین بایقراي ثانی را ثبت و ضبط کرده است.

## ۲- بیان و اهمیت مسئله

اهمیت دستینه‌های کهن در شناخت زوایای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ایران‌زمین بر کسی پوشیده نیست. هریک از نسخ بر جای مانده از ادوار گذشته حامل بخشی از میراث ارزشمند گذشتگان ماست و احیای این متون بر محققان این حیطه فرض است. جوامع‌الانشاء از آثار ارجمند عصر تیموری در موضوع ترسل است که تاکنون به زیور طبع آراسته نشده و نگارنده بر آن است که در این مقاله ضمن معرفی اثر، به بررسی خصایص سبکی و ساختاری این اثر بپردازد. در این مقاله نسخه خطی جوامع‌الانشاء برای نخستین بار به صورت مشروح معرفی میشود و مهمترین ویژگیهای سبکیش به بحث گذاشته میشود.

## ۳- منشآت در لغت و اصطلاح

منشآت اسم مفعول به صیغه جمع مؤنث از مصدر انشاء و مفرد آن منشاء به معنای «انشاء کرده شده و نوشته شده‌ها، مسودات، نامه‌ها، مراسلات، عبارات و تصنیفات» (لغتنامه، ج ۱۴: ص ۲۱۶۴۱) است و در اصطلاح ادبی به نامه‌های اداری، دوستانه و شاهانه اطلاق میشود.

## ۴- اسلوب نثر منشآت

«نثر در لغت صفتی عربی است به معنای پراکنده، سخن پاشیده و غیرمنظوم برخلاف نظم، و یکی از اقسام دوگانه سخن در مقابل شعر» (انواع نثر فارسی: ص ۴) و در اصطلاح کلامی است که وزن و قافیه نداشته باشد و «در آن، مفاهیم و معانی با وضوح و روشنی و رسایی و با نظم فکر و منطقی بیان میشود و تنها وظیفه لفظ در آن بیان معناست. جملات با مراعات موازین دستوری با یکدیگر میپیوندند و معانی بی‌هیچ‌گونه قطع و انحرافی بیان میشوند.» (فن نثر در ادب پارسی: ص ۲۹). نثر منشآت دیوانی اغلب چنین نیست؛ این‌گونه نثر سرشار از صنایع بیانی و بدیعی و لغات دشوار فارسی و عربی و گاه ترکی و مغولی است و نویسنده میکوشد سخنش را با انواع شگردهای ادبی پیامیزد تا گیرنده نامه و خوانندگان دیگر را از مراتب فضل و قدرت سخن‌پردازی خود آگاه کند.

## ۵- ارزش منشآت در بررسی‌های تاریخی

منشآت بطور کلی در سه گروه جای میگیرند: نامه‌های دیوانی، سلطانی و اخوانی. نامه‌های دیوانی با در برداشتن عناوین مشاغل و منصب‌ها و نیز ساز و کار چرخش امور مملکت، تصویری دقیق از شکل حکومتداری و امور دولتی در دوره‌های مختلف تاریخی به دست میدهند. از آن روی که منشیان نه فقط نظاره‌گر چگونگی رخ دادن وقایعند؛ بلکه

غالباً خود نیز عهده‌دار بخشی از امور دیوانی بوده‌اند، نگارش‌هایشان در بازشناسی سیستم اداری یک دوره از منابع دست اول به شمار می‌آید. القاب و عناوینی که از سوی خلیفه یا سلطان به اشخاص اعطا می‌شده و بدان القاب نامیده و شناخته می‌شده‌اند شأن و جایگاه حکومتی یا علمی و اجتماعی گیرندگان مکتوبات را مشخص می‌کند. دیوانیات به نام‌های فرمان و مثال و منشور و یرلیغ و ملطفه و مخاطبه و پروانه و برات و تعلیقه و عهد و نشان و رقم و مواضعه و... نیز خوانده می‌شدند (نک: مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی: ص ۴۳).

«سلطانیات یا مکاتیب سلطانی به منشآت اطلاق می‌شد که سلاطین به یکدیگر یا به ملوک اطراف مینوشتند.» (فن نثر در ادب پارسی: ص ۴۰۱). محمد معین در تعریف این نوع نامه نوشته: «سلطانیات جمع سلطانیه به معنی مکاتبات شاهی و نامه‌های رسمی و دولتی، در مقابل اخوانیات است» (فرهنگ فارسی، ج ۲: ص ۱۹۱۱).

نامه‌های شاهی کارکردی بنیادی دارند: راززدایی از ساختار قدرت دولت. عبارت‌پردازی‌هایی که در نامه‌ها و فرامین شاه به کار می‌رود حکایت از اقتدار و یا ضعف یک دولت و نحوه تعامل حاکم با حکام زیردست خود دارد. از خلال منشآت و اسناد این عصر چنین برمیآید که سلطان حسین بایقرا در هرات از موضعی استوار برخوردار بوده است. نامه‌های او به اوزون حسن آق‌قویونلو از موضع قدرت و سخت‌مقدترانه نوشته شده است. او در نامه‌های به اوزون حسن مینویسد که برای سرکوبی فرزندان ابوسعید به یاری او نیازی ندارد و برای او رجز می‌خواند: «بعد از این فتوحات که روی نموده بود، وفور جنود که از حد و عدّ افزون است از حیّز ضبط و ادراک بیرون، جمع آمده‌اند و از آن زمان الی یومنا هذا هر روزه از جانب صحرا فوجی و از طرف دریا موجی ضمیمه باقی افواج و علاوه سایر امواج میشود و اختر اقبالشان در وبال و احتراق میافتد.» (نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ص ۴۱)

سلطانیات به اقسام مختلفی همچون مکاتبات میان سلاطین و وزرا و حاکمان و فرمانها و مناشیر و فتح‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها و تهنیت‌نامه و تعزیت‌نامه‌ها و... تقسیم می‌شود که هر یک اسلوبی ویژه خود دارند.

نامه‌های دوستانه و غیررسمی در این دسته از آثار که اصطلاحاً «اخوانیات» خوانده میشوند از شخصیت و ضمیر نویسنده و البته مخاطب نامه پرده برمی‌دارد. حتی گاه یادکرد اشخاص در منشآت از بازیگران سیاسی و فرهنگی هر عصر چهره برمی‌دارد.

در اخوانیات، نویسنده میکوشد با جمله‌ها و عباراتی برآمده از عواطف لطیف انسانی موضوع مورد نظرش را مطرح کند و خواسته‌ها و انتظارات یا سخن دوستانه بی‌چشمداشتش را با سوز و اشتیاق درونی و بر پایه محبت فی‌مابین به مخاطب عرضه کند و او را تحت تأثیر قرار دهد؛ البته برخی اخوانیات نیز به قصد اظهار فضل و برتری‌جویی نگاشته شده و آکنده از صنعت‌پردازی و عبارات پُرطمطراق و دشوارفهم است.

#### ۶- حسین هروی کیست؟

درباره کیستی حسین هروی، کوششهای نگارندگان راه به جایی نبرد؛ زیرا نام و نشانی از او در هیچیک از متون آن عصر دیده نمیشود و هویت او هنوز بر ما روشن نیست. متن جوامع‌الانشاء تاکنون چاپ نشده و تک‌نسخه آن به شماره ۴۳۰۱ در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه نگهداری میشود (فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه نورعثمانیه استانبول: ص ۶۱۸) که مجتبی مینوی میکروفیلمی از آن برای دانشگاه تهران تهیه کرده است. (فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ص ۷۰) نسخه برای سلطان عثمان‌خان بن مصطفی‌خان وقف شده است و گواهی وقف آن از حاج ابراهیم حنیف در ابتدای نسخه دیده میشود.

«دو احتمال میتوان داد: نخست اینکه این اثر، متعلق به خواجه کمال‌الدین حسین، فرزند خواجه نظام‌الملک خوافی باشد که علیشیر نوایی درباره او نوشته است: "خوش طبع است و فارغ از طلب منصب و زرات، و حظ خوب از خط خوب دارد و انشاء نیز به غایت زیبا میکند." احتمال دیگر آنکه کتاب اثر خواجه امیرکمال‌الدین حسین گازرگاهی باشد که علیشیر نوایی به درویشی وی اشاره میکند و مینویسد که افزون بر شرح منازل‌السایرین خواجه عبدالله انصاری "دیگر رسایل نیز دارد که هر که مطالعه نماید فضل و کمالات میر را معلوم میکند." این کمال‌الدین حسین، همان نویسنده واقعی کتاب مجالس‌العشاق است که در آنجا نیز ذوق صوفیانه خود را آشکار ساخته است. مقدمه جوامع‌الانشاء نیز کاملاً صوفیانه و شبیه متن مجالس‌العشاق است. متأسفانه در این مقدمه نویسنده، جز نصیحت سلطان حسین بایقرا به عدل و دادگستری آگاهی دیگری به دست نمیدهد؛ به همین دلیل، احتمال می‌رود که فرض دوم به حقیقت نزدیکتر باشد.» (پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان: ص ۴۵).

با استناد به دو بیت که در ضمن دو نامه آمده میتوان یقین کرد که حسین هروی اهل تشیع بوده است. بیت نخست چنین است:

هرکس از باطل به جایی التجایی برده‌اند  
در جهان ما را جناب آل‌حیدر التجاست  
(نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ص ۷۹)

و بیت دیگر:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است  
علی و آل او ما را تمام است  
(همان: ص ۹۹)

#### ۷- زمان کتابت نسخه

نسخه جوامع‌الانشاء ترقیمه ندارد، اگرچه در برخی نامه‌ها (ص ۷۴، ۷۸، ۸۷، ۹۳، ۹۷، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۵۳، ۱۶۵) به تاریخ کتابت نامه‌ها اشاراتی شده است؛ اما نمیتوان تاریخ

نگارش نسخه را به صورت دقیق مشخص کرد؛ تنها با تکیه بر شواهد موجود در متن، میتوان دربارهٔ حدود زمانی کتابت نسخه به حدسهایی متوسل شد. رجال و شخصیت‌هایی که نامشان در ضمن نامه‌ها آمده نخستین شواهد برای تعیین تاریخ کتابت نسخه‌اند. بسامد نام سه تن در متن نامه‌ها قابل توجه است: سلطان ابوسعید تیموری (۸۰۳-۸۴۸؛ دوران حکومت: ۸۵۴-۸۷۳)، اوزون حسن آق‌قویونلو (۸۲۸-۸۸۲) و سلطان حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱؛ دوران حکومت: ۸۷۵-۹۰۲)، بیشترین حجم نامه‌های موجود در متن متعلق به سلطان حسین بایقراست و اسامی کارگزاران حکومت وی و سایر شاهزادگان تیموری، قضات، علما، سادات، سیاسیون و نظامیان آن دوره در جای‌جای متن دیده میشود.

در شماری از نامه‌ها از جنگ سلطان ابوسعید تیموری با اوزون حسن سخن میرود که به کشته شدن ابوسعید انجامید. شواهدی نیز از مکاتبهٔ اوزون حسن آق‌قویونلو با سلطان حسین بایقرا حکایت میکنند؛ از آن جمله نامه‌ای با عنوان «حضرت حسن بیگ به سلطان حسین میرزا نوشته» یا نامهٔ سپسین آن که «سلطان حسین میرزا به حسن بیگ نوشته». پس از این نامه نیز نامه‌هایی با عناوین «پادشاه غازی» یا «پادشاه غازی مذکور» یا «سلطان غازی مذکور» آمده که همگی اشاره به سلطان حسین بایقراست.

نامه‌های دوم و سوم مکاتباتی است فی‌مابین سلطان حسین بایقرا و اوزون حسن؛ در همین نامهٔ اخیر از قتل ابوسعید تیموری و تحرکات یادگار محمد و گلایهٔ سلطان حسین از یاری دادن حسن بیگ به او یاد شده است؛ بنابراین، تاریخ کتابت نسخه را نمیتوان به دوران حکمرانی سلطان ابوسعید تیموری نسبت داد.

نامهٔ شمارهٔ ۴۵ با عنوان «منشیان عتبهٔ علیه و سدهٔ سنیة حضرت خلافت‌پناه جم‌جاه، سلطان سلاطین‌الاکاسره و قاهرالقیاصره، ظل‌الله، الملک الغنی القوی، ابوالمظفر شاه‌اسماعیل‌الحسینی الصفوی‌الموسوی به حضرت پادشاه غازی سلطان حسین میرزا نوشته» آغاز میشود. تاریخ دقیق این نامه مشخص نیست؛ اما در متن از یورش محمد محسن میرزا به قلمرو شاه اسماعیل و حملهٔ شاه اسماعیل به فارس و شکست حسن‌کیاء سخن میرود. مهم‌ترین وجه اهمیت این نامه، نشان دادن زمان تداوم نگارش نسخه تا اوایل دورهٔ شاه‌اسماعیل صفوی است. با تکیه بر موارد یادشده تاریخ نامه‌ها در فاصلهٔ سال‌های ۸۷۵ تا ۹۱۱ هجری، یعنی ربع پایانی قرن نهم و دههٔ آغازین قرن دهم خواهد بود.

## ۸- کشف گزیده‌ای از جوامع‌الانشاء

### ۸-۱- منشآت تیموری

نگارنده در بررسی نسخه‌های خطی ترسل در عصر تیموری به نسخه‌ای از منشآت دست یافت که گزیده‌ای از جوامع‌الانشاء است و تا امروز نیز از چشم علمای فهرست‌نویس نسخ

خطی از جمله استاد محمدتقی دانش‌پژوه پنهان مانده است. دانش‌پژوه در بخش هشتم مقاله «دبیری و نویسندگی» در ضمن معرفی نسخه‌های منحصر به فرد در موضوع دبیری و انشای دیوانی به معرفی مختصر جوامع‌الانشاء پرداخته‌اند (هنر و مردم: ص ۵۳) و در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا نیز در معرفی نسخه خطی شماره «۱۵۱۳س» در نیافته‌اند که این نسخه، گزیده‌ای از جوامع‌الانشای هروی است. نسخه‌ای به خط نستعلیق در ۱۱۳ برگ ۱۷ سطری با عنوان منشآت که شامل ۱۹۴ نامه است. نامه آغازین منشآت تیموری همانا اولین نامه جوامع‌الانشاء است با عنوان «حضرت مولانا زین‌الدین ابوبکر تایبادی به امیر تیمور گورکان نوشته» (برگ ۲). انجامه نسخه چنین است: «تمت المنشآت فی غرة صفر ختم بالخیر و الظفر علی یدی العبد المذنب الراجی رحمۃ‌الله ابی‌الحسن بن عبدالله، بمحروسة حلب، فی سنة احدى و ستین و تسعمائه من الهجره النبویه علی صاحبها افضل الصلوات و التحیه. والحمد لله کثیراً کما هو اهله». بنابراین عبارت، کاتب نسخه کسی است با نام ابی‌الحسن بن عبدالله و تاریخ کتابت نسخه نیز سال ۹۶۱ هجری است. نسخه‌ای است پاکیزه که تعدادی از ضبط‌هایش بر نسخه اساس ما رجحان دارد. نخستین نامه در نسخه جوامع‌الانشاء عنوان ندارد؛ اما در این نسخه به درستی با این عنوان آمده است: «نامه زین‌الدین ابوبکر تایبادی به امیر تیمور گورکان». (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ص ۷۳۲-۷۳۵).

#### ۲-۸- منشآت و مکاتیب

نسخه شماره «۶۷۵س» کتابخانه مجلس، مجموعه‌ای است به خط نستعلیق در ۱۶۲ برگ ۲۱ سطری که شامل مکاتبات تیموریان و ترکمانان است که در قرن سیزدهم کتابت شده و آغاز و انجام آن افتاده است. این نسخه نیز در بردارنده برخی از نامه‌های جوامع‌الانشاء است که در تصحیح متن تعدادی از نامه‌ها از آن یاری گرفته‌ایم. (همان: ص ۳۶۱-۳۶۴)

#### ۳-۸- منشآت جامی

نکته حائز اهمیت دیگر در باب تکرار شماری از نامه‌های جوامع‌الانشاء، وجود ۶۸ نامه در منشآت جامی است که در تصحیح متن جوامع‌الانشاء با رمز «مج» از آن سود برده‌ایم.

#### ۹- مثنوی‌ای نویافته از پوربهای جامی

تاج‌الدین بن بهاء‌الدین بن جامی متخلص به «پوربها» از شاعران و صوفیان به نام قرن هفتم است. (رک: آتشکده آذر، نیمه اول: ص ۵۷؛ تذکره الشعرا: ص ۲۰۱-۲۰۵؛ تذکره روز روشن: ص ۱۴۰، ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه: ص ۲۱۴) یگانه دست‌نویس دیوان او به



شماره ۹۲۱۳ در کتابخانه موزه بریتانیا محفوظ است<sup>۱</sup>. این دستنویس را نظام‌الدین احمد بن عبدالله شیرازی به سال ۱۰۲۹ ق. در حیدرآباد به رسم خزانه برای کتابخانه سلطان قطب‌الدین محمد قطب‌شاه (حک: ۱۰۲۰-۱۰۳۵ق) تحریر کرده است. در نسخه جوامع‌الانشاء مثنوی‌ای بیست و نه بیتی با مطلع:

الا ای صبا پیکِ اربابِ عشق      بیا گوش کن فصلی از بابِ عشق  
(نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ص ۲۲۷-۲۲۶)

از پوربهای جامی ثبت شده که در دیوان او نیامده است و بسیار حائز اهمیت است و باید بر پایه همین نسخه به دیوان او افزوده شود. پوربها در این مثنوی که در واقع نامه‌ای شاعرانه است با سوز و گدازی عمیق و ناشی از غم غربت، از پیک و برید سنتی شعر فارسی، یعنی باد صبا، می‌خواهد تا درود و ارادت او را به شهر جام و مردمانش برساند. او زاده جام بوده و در این شعر که زمینه عاطفی اثرگذاری دارد برای دیدار زادگاهش بی‌قراری میکند.

#### ۱۰- ساختار کلی جوامع‌الانشاء

نسخه منحصر به فرد جوامع‌الانشاء در بردارنده ۲۶۲ نامه مشتمل بر نامه‌های دیوانی (۷ نامه)، سلطانی (۴۸ نامه) و اخوانی (۲۰۷ نامه) است. اولین نامه بدون عنوان است. در این نامه از شیخ‌الاسلام احمد جام نامقی و مقامات او یاد شده است. (نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ص ۲)؛ کتاب با نامه‌ای از زین‌الدین ابوبکر تاییادی به امیر تیمور گورکان آغاز میشود و با نامه‌ای از «سلطان اویس، والی آذربایجان، به شاه شجاع کرمانی» پایان می‌یابد. نامه‌های دیوانی آن به طور خاص بازگوکننده وضعیت ساختار دستگاه دیوانسالاری واپسین سال‌های دوره تیموری است.

کتاب طبقه‌بندی مشخصی ندارد و به ابواب جداگانه تفکیک نشده است. دو فتحنامه در متن آمده است: ۱. فتحنامه سلطان حسین میرزا (ص ۸۱) ۲. فتحنامه سلطان ابوسعید میرزا (ص ۸۴). بخشی دیگر از نامه‌ها انشای حسین هروی نیست و نامه‌های منشایی دیگر است به کسانی دیگر؛ همچنین نامه‌هایی از قاضی اختیار (از قاضیان سرشناس عهد تیموری) در کتاب آمده است. (نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ۱۲۰ و ۱۸۲ و ۱۸۵).

هروی در انتهای جوامع‌الانشاء بخشی آورده با عنوان «ادعیه و رباعیات و ابیات که در مکاتبات به آن احتیاج می‌شود.» به سلاطین، به پادشاه‌زاده‌ها، مخدرات حجرات، صدور، وزراء، سایر اهل قلم، سادات، اولیاء، قضات، علما، شعرا، منشیان، منجمان، اطباء، خطبا، محتسبان، واعظان، صدرحفاظ، حفاظ، پیش‌نماز، مؤذن، کاتبان، ارباب نغمه، حاجی، زاهد،

<sup>1</sup>- Meredithowens G. M Handlist of Persian Manuscripts, by G.M. Meredith-Owens, (1895-1966), London, 1968, p. 56.

خلوت‌نشین، زاویه‌نشین، خرقه‌پوش، امثال و اعیان، نوروز، در عید، تهنیت منصب و تهنیت فرزند. در این بخش، برخی عنوانها فقط شامل یک بیت است؛ مثلاً در بخش «صدر حفاظ» این تک‌بیت آمده:

صدر معالی ز تو تازنده باد      جان و جهانی ز دمت زنده باد  
(نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ص ۲۲۴)

و بخشی دیگر از عنوانها شامل چند بیت است: بخش شعرا، منشیان، منجمان، کاتبان، ارباب نغمه، در عید و عناوین دیگر. فی‌المثل در بخش شعرا این ابیات آمده است:

ای گشته ز نظم تو جهان پر گوهر      مابین زمین و آسمان پر گوهر  
از بس که فشاندی گهر از مخزن طبع      شد دامن آخرالزمان پر گوهر  
(همان: ص ۲۲۳)

و یا:

چاشنی سخن از لفظ شکر ریز تو باد      راحت روح و روان نظم دلاویز تو باد  
(همان: ص ۲۲۳)

#### ۱-۱۰- ساختار نامه‌ها

خطبه و مقدمه نامه‌ها به رسم معمول منشآت و به سیاق مرسوم ترسل در عصر تیموری، اغلب با مقدمات عربی متملقانه و انواع سجع‌پردازی‌ها و مترادفات و جناس‌ها و دیگر صنعت‌پردازی‌ها آغاز میشود و در متن نامه اندکی از صعوبت کلام کاسته میشود. «شیوه نگارش مکاتیب دیوانی و مناشیر عهد تیموری دنباله همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول بود یعنی رعایت ساده‌نویسی و ایجاز و پرهیز از عبارت‌پردازی‌های بی‌مورد و استفاده از القاب و عناوین و نعوت و صفات مرکب که در قرنهای قبل رایج و معمول بود. (سبک‌شناسی، ۳: ص ۲۰۲). معمولاً نامه‌ها با خاتمه‌ای که با دعاهایی همراه است به اتمام میرسد. «مؤلفان در دیباچه منشآت مصنوع این زمان به عادت قدیم تکلف و تنوقی خاص به خرج میدادند.» (تاریخ ادبیات در ایران، ۴: ص ۴۶۹) و در پایان نامه‌ها نیز رسم چنین بوده که نگارنده از درازنفسی و اطناب نامه پوزش میطلبیده و با عباراتی از این قبیل نامه را به پایان میبرده است: «اطناب از حدّ عالی میگردد. ظلّ عالی بر مفارق ادانی و اعالی ابدالآباد ممدود باد» (جوامع‌الانشاء: ص ۱۰۴)؛ «و تخفیف تصدیع را بدین دو بیت اختصار کرده می‌آید...» (همان: ص ۱۰۹).

#### ۱۱- جایگاه جوامع‌الانشاء در بین کتب مشابه

همانطور که اشاره شد نسخه خطی جوامع‌الانشاء دارای ۲۶۲ نامه است، از این تعداد ۷ نامه جزو دیوانیات، ۴۸ نامه سلطانیات و ۲۰۷ نامه اخوانیات است که این مسئله یکی از وجوه تمایز این کتاب با سایر منشآت برجای مانده در عصر تیموری است. دیگر منشآت

برجای مانده از عصر تیموری، اغلب شامل دیوانیات و سلطانیاتند؛ اما بسامد اخوانیات در جوامع‌الانشاء قابل‌مقایسه با متون مشابه نیست. همچنین ۱۰۵۲ بیت فارسی در جوامع‌الانشاء این کتاب را از وجه ادبی بر دیگر متون مشابه رجحان داده است.

## ۱۲- ویژگیهای سبکی جوامع‌الانشاء

### ۱-۱۲- ویژگیهای سطح زبانی جوامع‌الانشاء

استیلای ترکان و مغولان بر ایران شمار فراوانی از واژه‌های ترکی و مغولی را در زبان فارسی وارد کرد و به انواع مکتوبات نویسندگان راه یافت. این واژه‌ها در تعدادی از کتابها چنان به افراط به کار رفته‌اند که فهم متن را بسیار دشوار کرده‌اند. در متن جوامع‌الانشاء نیز لغات ترکی و مغولی بسیاری به کار رفته است که اغلب در حیطة مشاغل و مناصب دیوانی و حکومتیند. «بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها ایستا و منجمد نیستند. بلکه جاندار و پویابند، تاریخ و زندگینامه دارند؛ حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف‌ناپذیرند و برخی در اثر فشار بافتهای مختلف تغییر شکل و معنا میدهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد میکنند.» (سبک‌شناسی نظریه‌ها رویکردها و روشها: ص ۲۴۹).

#### ۱-۱۲-۱- کلمات ترکی و مغولی:

ایلچی (نسخه خطی جوامع‌الانشاء: ۳۰)، باشلیغ (همان: ۴۱)، ایلغار (ص ۴۱)، یرلیغ (ص ۷۶)، سوزمیز (ص ۷۶)، ایلچیان (ص ۸۵)، تومان (ص ۷۷)، سیورغال (ص ۷۷، ۱۸۱)، طغرا (ص ۸۱)، بتیکچی (ص ۱۳۰)، یرلیغ (ص ۲۵۳)، یاساق (ص ۲۵۴).

#### ۲-۱۲-۱- استفاده فراوان از جمع‌های مکسر عربی

نسایم (ص ۴)، خزاین (ص ۴)، ثواقب (ص ۴)، افضال (ص ۴)، رواج (ص ۴)، فوایح (ص ۴)، اکناف خواطر (ص ۴)، اعظم (ص ۴)، اکابر (ص ۴)، شمایم (ص ۵)، مسامع (ص ۵)، فیوض (ص ۵)، قوایم (ص ۱۸)، طوایف (ص ۳۵)، فوایح (ص ۳۷)، رواج (ص ۱۹۲)، اوتاد (ص ۱۹۲)، عوایق (ص ۱۹۳)، انقاش (ص ۱۹۵)، بواعث (ص ۱۹۹).

در مواردی نیز چندین جمع مکسر را کنار هم آورده است: «فوایح رواج نسایم» (ص ۴)، «قواعد ملکه کواکب اقبال براوج رفعت و ثواقب افضال بر سپهر حشمت» (ص ۴)، «خزاین و دفاین و نفایس و عرایس» (ص ۱۳۳)، «اعظم سادات که در اصداف...» (ص ۷۸)، «فحوای آن از تعرض انفصام مصون و معاهد مضمونش از معرب انجسام محروس و مأمون است» (ص ۴).

#### ۳-۱۲-۱- اصطلاحات و عبارات عربی

علی‌الرسم (ص ۴)، تلک الاخبار (ص ۵)، الی بلوغ هذه الاخبار (ص ۷)، نسیاً منسیاً

(ص ۱۱)، بعد ذلک (ص ۱۱)، کره بعد اخری (ص ۱۲)، ابا عن جد (ص ۱۲)، عقب الادعیه الصالحه (ص ۱۴)، یوماً فیوماً (ص ۱۵)، علی القاعده المستمره (ص ۱۵)، علی تعاقب الادوار (ص ۱۵)، کان لم یکن (ص ۲۳)، فقد حصل المراد (ص ۳۲)، مضی ما مضی (ص ۱۰۳).

#### ۴-۱-۱۲- مترادفات

نثر نامه‌ها مشحون از مترادفات است: محبت و مودت (ص ۴)، مدد و نصرت (ص ۴)، اوج و رفعت (ص ۴)، مطلع و خبیر (ص ۵)، خار و خاشه (ص ۵)، خرم و شاداب (ص ۵)، ظل و سایه (ص ۵)، خذلان و مذلت (ص ۶)، مطرود و رانده (ص ۶)، واضح و لایح (ص ۶)، قباحت و شناخت (ص ۶)، فتنه و عناد (ص ۶)، استظهار و اعتضاد (ص ۲۳۸)، عجز و فتور (ص ۲۴۲)؛ حتی در یک مورد چهار کلمه مترادف را به دنبال هم آورده است: روشن و هویدا و میرهن و جلوه‌نماست. (ص ۶۴).

#### ۵-۱-۱۲- اصطلاحات نجومی

توصیف و تصویرپردازی با لغات و اصطلاحات نجومی از خصایص زبانی بسیاری از نامه‌هاست.

- «چون نور آفتاب در زیغ النهار قابل انکار نیست» (ص ۶).
- «حدود شبرغان مضرب خیام مشتری مقام است» (ص ۳۱)
- «چون بنات النعش در حیّز افتراق است» (ص ۴۱)
- «چون خسرو انجم به نقطه اعتدال ربیعی رسید» (ص ۸۷)
- «ادوار سعدین و طلوع نیرین» (ص ۱۹۶)

#### ۶-۱-۱۲- ترکیبات تازه

در شماری از نامه‌ها ترکیب‌هایی تازه دیده میشود: محنتکده (ص ۲۰۲)، شعله‌ناک (ص ۱۸۹)، شادآب (ص ۴)، رنجکده (ص ۱۷۲)، کام‌گذار (ص ۱۹۷)، رای دقیقه‌نمای عقده‌گشای (ص ۱۹۶).

#### ۷-۱-۱۲- برخی ویژگی‌های نگارشی

- ۱) نوشتن واو مهمله: حسین هروی کلمه «خوارزمی» را به صورت «خارزمی» نوشته است (ص ۵) و «خوافی» را «خافی» (ص ۱۶۰).
- ۲) صورت متفاوت تعدادی از کلمات:
  - «کمک» ← «کومک» (ص ۱۱)
  - «گزارش» ← «گذارش» (ص ۱۳۱)
  - «جمادی» ← «جمیدی» (ص ۷۴)

۳) شماری از کلمات در متن نسخه ناقص کتابت شده‌اند که با توسل به نسخه خطی منشآت تیموری تصحیح کرده‌ایم: القضا [ص] (ص ۲۱) / پادشاه [ص] (ص ۱۹) / الچی ← (ایلچی) (ص ۵) / ادن ← (اوزن) (ص ۲۲) / ترد ← ترد [د] (ص ۶۵) / موسا (مواسا) (ص ۴۵) / رسوالله ← رسول [ل] الله (ص ۶۳) / آحاد [د] (ص ۷۷) / ر [ا] (ص ۹۰) / امیدو [ا] (ص ۱۱۷) / [ا] کابر (ص ۱۶۰).

## ۲-۱۲- ویژگیهای سطح ادبی جوامع‌الانشاء

انواع و اقسام صنایع بیانی و بدیعی در متن نامه‌های جوامع‌الانشاء به کار گرفته شده‌اند که علاوه بر آراستن زبان، بر قوت تأثیر کلام میافزایند.

### ۲-۱۲-۱- صنایع بیانی

۱) تشبیهات: اضافه تشبیهی در متن نامه‌ها بسامد چشمگیری دارد و نامه‌ای نیست که از چندین اضافه تشبیهی خالی باشد: غبار کدورات (ص ۴)، نهال مودت (ص ۵)، نسایم پیام‌گذاری (ص ۵)، جویبار مصابرت (ص ۱۱)، مرآت جهان‌نمای مودت (ص ۲۸)، چوگان مصابرت (ص ۵۵)، نهال احسان (ص ۵۹)، شکوفه مراد (ص ۱۰۶)، وادی فراق (ص ۱۱۱)، طایر روح (ص ۱۴۲)، بال آرزو (ص ۱۱۷)، طیلسان ظلام (ص ۲۴۳).

۲) استعاره: بسامد استعاره در متن جوامع‌الانشاء چشمگیر نیست و اغلب تصویرپردازی‌ها در نامه‌ها با اضافه تشبیهی شکل می‌بندد. شماری از استعاره‌های متن از این قرار است: بدر طارم شوکت و کشورگشایی (ص ۵۵) استعاره از ممدوح // حطام موهومه (ص ۵۸) استعاره از مادیات و مواهب دنیوی // محجوبکان تتق غیب (ص ۷۲) استعاره از فرشتگان // صحن زبرجدفام (ص ۸۵) استعاره از آسمان // عمامه و قبای خضرا (ص ۸۶) استعاره از برگ و سبزی درختان // خورده کافور (ص ۸۷) استعاره از برف // برقع کحلی (ص ۲۴۳) استعاره از شب.

### ۳) کنایات:

- خود را به ساحل رسانیدن (ص ۷)
- پای در دامن کشیدن (ص ۶۷)
- سپر انداختن (ص ۸۷)
- بخیه خلاف بر روی کار افتادن (ص ۸۷)
- خاک بر تارک افلاک نشانندن (ص ۸۸)
- حوادث ایام را کوچه غلطی دادن (ص ۱۳۷)

## ۲-۲-۱۲- صنایع بدیعی

(۱) سجع:

- از کاس دهر جام زهر مذلت نوشیده‌اند (ص ۶)
- اگر خاطر انور و ضمیر ازهر (ص ۸)
- حجتی قاطع و برهانی ساطع تواند بود (ص ۱۰)
- محزون سراپر و مکنون ضمائر ایشان بود (ص ۲۱)
- ۲) جناس: رعایت رعیت (ص ۳)، خاطر خطیر (ص ۵)، نکباء نکبت (ص ۶)، فرار بر قرار (ص ۶)، مال و آمال (ص ۷)، عقود عهود (ص ۱۰)، سیاهی و سپاهی (ص ۱۱)، یاغی باغی (ص ۱۲)، عقوق و حقوق (ص ۱۳)، بحار زخار (ص ۱۴)، حجاب و احتجاب (ص ۱۸)، اتمام تمام (ص ۱۸)، جسارت و خسارت (ص ۳۲)، عازم و جازم (ص ۵۴)، فاتحه فایحه (ص ۶۱)، نقوش نفوس (ص ۶۱)، جهود حسود (ص ۷۳)، منشور منشور (ص ۷۴)، تجارت تجارب (ص ۸۲)، ایفاق اتفاق (ص ۸۳)، یاغیان باغیان (ص ۸۳).

(۳) واج‌آرایی:

- حرف الف: فوات قراب حیاض ریاض سحاب (ص ۱۲۹)، حرف الف و سین (صین): هر صباح و مسا با صحایف دعا و ثنا (ص ۱۱۵).
- حرف د: دعایی که بدایت آن دال باشد بر نهایت وداد و اتحاد (ص ۱۵۹).
- حرف ز: آن کوی که رشک رشحه آب خضر و غیرت رایحه روضه رضوان است (ص ۲۵۲).
- حرف س: از سواد آن سواد دیده و سویدای سینه را نور موفور السرور رسید (ص ۲۰۳).
- حرف ش: اگر به حسب اشتعال مشاعل اشواق (ص ۲۱۰).
- حرف ف: اضعاف مضاعفه آن معاطفه و ملاطفه (ص ۱۷۴)، به موافقت مرافق و موافق کافه (ص ۱۱۰).
- حرف ق: با طریق نفاق نه به ایفاق اتفاق (ص ۸۳).
- حرف ک: امید به کرم کریم منان آنکه طی مکان مسافران زمان کرامت فرماید (ص ۲۴۲).

(۴) ترصیع و موازنه:

- بواسطه تفارق ابدان و تباعد بلدان و مخالفت روزگار و معاندت ادوار (ص ۴۳)
- استنشاق رواج مخالفت و استشمام فوایح مصادقت (ص ۱۴)
- تأسیس بنیان وفاق و ترصیص ارکان اتفاق (ص ۵)
- اصناف دعوات طیبیات و اضعاف ضراعات زاکیات (ص ۵۷)

- فواید قلاید خدمت و دعا و جواهر زواهر محمدت و ثنا (ص ۱۱۸)
- ۵) مراعات‌النظیر:
  - شاه و رخ و اسبان (ص ۸۳)
  - پیل و پیاده و مات (ص ۸۳)
  - تومانات و هزارجات و صدجات (ص ۸۴)
  - کاغذ و مداد و اعمال دوات قلم (ص ۱۷۶)
  - متوجه طواف حریم حرم وفاند و عازم مروء مروت و صفا (ص ۱۹۹)
- ۶) مطابقه یا تضاد: اندفاع و ارتفاع (ص ۱۳)، قلت و کثرت (ص ۱۷)، اوامر و نواهی (ص ۴۹)، ضلال و هدایت (ص ۵۵)، عسرت و عشرت (ص ۶۱)، صغیر و کبیر (ص ۶۷)، صغار و کبار (ص ۸۶)، زحمت و رحمت (ص ۷۰)، غنی و فقیر (ص ۸۶)، ادانی و اقاصی (ص ۹۷)، مطیع و عاصی (ص ۹۷)، نفع و ضرر (ص ۱۰۰)، رذایل و فضایل (ص ۱۲۱)، وحشت و بهجت (ص ۱۲۴).
- ۷) تلمیح:
  - عبور حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و خضر<sup>(ع)</sup> از کنار دیوار خراب. (ص ۲)
  - طوفان نوح و آرام گرفتن کشتی بر کوه جودی (ص ۱۸۴)
  - گفتگوی خداوند با موسی<sup>(ع)</sup> در صحرای سینا (ص ۲۳۲)
  - عزیز یوسف<sup>(ع)</sup> در مصر (ص ۲۴۲) و داستان پیراهن او (ص ۲۴۴ و ۲۵۱)
  - هبوط حضرت آدم<sup>(ع)</sup> به زمین سیاه هندوستان (ص ۲۴۸)
- ۸) استفاده از آیات قرآنی: نویسنده در متن نامه‌ها آیات قرآنی فراوانی را در زنجیره کلام «تضمین» کرده که از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبکی این اثر به شمار می‌رود؛ زیرا «علاوه بر آنکه قرآن معیار فصاحت و بلاغت است و شاعران و نویسندگان با استفاده از آیات و احادیث توانایی خود را در سخنوری به نمایش می‌گذارند، با استشهاد به قرآن و سخن معصوم تأثیر سخن خویش را افزون می‌کنند. قرآن دارای خاصیت قانع‌کنندگی و پذیرش مخاطب است.» («شگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن»، امید مجد و الهه آئین: ص ۶۹). در ابتدای «منشور ایالت یادگار محمد میرزا» دوازده آیه از قرآن کریم را در اثنای متن به کار برده است. آغاز متن یاد شده چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْخِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [آل عمران، آیه ۲۶] أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ [نساء، آیه ۲۶] مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ [احزاب، آیه ۴۰] وَمَا تَنْصُرُوا إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ [آل عمران، آیه ۱۲۶] التَّعْظِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالشَّفَقَةَ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ.<sup>۱</sup> ابوالنصر حسن بهادر سورمیز چون به میامن توفیقات الهی و محاسن تأییدات نامتناهی عنایت بی‌نهایت ربانی و عاطفت بی‌غایت سبحانی رقم اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا [بقره، آیه ۱۳۰] بر ناصیه سعاد و چهره دولت ما کشیده و صحیفه عزت و کامکاری و منشور شوکت و بختیاری را به طغرای اجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [انعام، آیه ۸۷] محلی گردانیده و منشی مشیت و الله يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ [بقره، آیه ۲۴۷]... (نسخه خطی جوامع الانشاء: ۷۵) بررسی دقیق مکتوبات نشان میدهد که در مجموع، ۲۴۸ آیه قرآنی در متن به کار رفته است.

۹) امثال فارسی: از دیگر ویژگی‌های نامه‌های جوامع الانشاء استفاده از مصراع‌ها و ابیاتی است که مثل سائر شده‌اند و به‌عنوان ضرب‌المثل در نوشتار یا گفتار به کار می‌روند. در مجموع، تعداد این قبیل مصاریع نسبت به امثال و حکم‌های عربی بسامد کمتری دارد

- قرب جانی چو بود بعد مکانی سهل است (ص ۴۳)
- به ماهتاب چه حاجت شب تجلی را (ص ۴۸)
- حسن خداداد را حاجت مشاطه نیست (ص ۷۴)
- از دوست یک اشارت از ما به سر دویدن (ص ۷۰)
- گنجشک را تحمل چنگال باز کو؟ (ص ۹۶)

۱۰) امثال عربی: تأثیر نثر عربی بر زبان نامه‌ها بسیار است و در مجموع نامه‌ها بیست و پنج مثل عربی به کار رفته، چند نمونه:

- الماء مکدر ثم یرجع صافیا (ص ۸)
- من حفر بئرا لآخیه وقع فیہ (ص ۱۳)
- ان کنت اکرمت الئیم تمردا (ص ۱۳)
- الامور مرهونه بأوقاتها (ص ۱۳۷)
- حُبّ الوطن من الایمان (ص ۱۵۲)

<sup>۱</sup> - «التَّعْظِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالشَّفَقَةَ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ» سخنی است که به پیامبر اسلام (ص) منسوب کرده‌اند؛ اما در منابع کهن احادیث، به نام ایشان دیده نمی‌شود. غزالی این سخن را نقل کرده؛ اما به پیامبر منسوب نکرده است. (مجموعه رسائل الإمام الغزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۵۸) عبارتی است که بدون شک از اقوال صوفیان است و در کتب صوفیه بسیار بدان پرداخته‌اند. (معارف، بهاء‌الدین‌ولد، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، طهوری، ۱۳۵۲، جلد ۳، ص ۳۴۲ و معارف، برهان‌الدین حسین محقق ترمذی، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۳ و عبر‌العاشقین، روزبهان بقلی، تصحیح هنری کرین و محمد معین، تهران، انستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۳۷، ص ۷۷).



- (۱۱) تنسیق الصفات: «عالی حضرت فلک رفعت گردون منزلت سلطنت منقبت مملکت پناه معدلت دستگاه.» (ص ۴)؛ «آن رفیع منزلت صوفی صفت حمیده خصال ستوده فعال» (ص ۱۲۷)؛ «از جناب دولت مآب سعادت ایاب خجسته صفات.» (ص ۱۳۶)
- (۱۲) اغراق: به حسب موضوع مکاتیب که اغلب از جانب سلطان به امرا و دیگر کسان نوشته میشد عنصر اغراق در نامه‌ها و به ویژه در آغاز نامه‌ها چشمگیر است. ستایش جاه و جلال سلطان و دستگاه پرشکوه او و قدرتش در زمینه‌های مختلف عامل اصلی پدید آوردن عنصر اغراق در متن است. در نامه دوم از حسن بیگ به سلطان حسین میرزا می‌خوانیم:
- «عالی حضرت فلک رفعت گردون منزلت سلطنت منقبت مملکت پناه معدلت دستگاه!
  - پادشاه اعظم اکرم، قدوة سلاطین العرب و العجم، نگین خاتم «معدلت گستری، بدر طارم رعیت پروری، نتیجه اکابر السلاطین» (ص ۴)
  - «مواطنان او با سگان سموات راز گویند و کمروار با منطقه البروج پهلو زند و نسر طایر با «کمال بلند پروازی به حسیض او نرسد.» (ص ۹۰)

### ۳-۱۲- مختصات فکری جوامع الانشاء

در سراسر مکتوبات دو ویژگی عمده فکری به صورت برجسته نمود یافته است: تمایلات صوفیانه و جبراندیشی و از همین نکته پیداست که صاحب اثر مشرب عرفانی داشته و همانند جمیع صوفیان از نظر فکری گرایش به جبر داشته تا اختیار.

#### ۱-۳-۱۲- تمایلات صوفیانه

در نخستین نامه کتاب «التفات خاطر پاکان درگاه و مشایخ کرام آگاه که به حقیقت پادشاه دین و دولتند و شاهان دنیا در حمایت نظر ایشانند» را موجب «تشییذ مبانی ملک‌داری و تأیید معانی جهان‌داری» دانسته؛ بدین ترتیب اولیاء الله را مشروعیت بخش امر سیاسی تلقی کرده و به بیتی از شیخ احمد جام نامقی توسل جسته و سپس به سخنی از شیخ ابوسعید ابوالخیر استناد میکند و می‌گوید: اکنون «حمایت و عنایت» فرزندان اولیای خدا مشروعیت بخش و ضامن سلاطین است. (ص ۲) تمایلات صوفیانه هروی در همین نخستین سطرهای نامه پیداست و به مشرب صوفیان همه پادشاهان و حاکمان را به جود و کرم و عدالت گستری توصیه میکند و از ستم بر بیچارگان برحذر میدارد:

نکند صد هزار تیغ و تبر آنچه یک پیرزن کند به سحر  
«و اگر چنین دلی آزرده شود سپاه پادشاهان عالم تدارک آن نتوانند.» (ص ۳). در مواضع دیگر حکایتی از شبلی و گفت‌وگوی او با ابوعلی ثقفی (ص ۱۷۲) و نیز غزلی از عماد فقیه کرمانی (شاعر و عارف سده هشتم) را زینت نامه‌ها کرده است. (ص ۲۳۸).

#### ۲-۳-۱۲- جبراندیشی

جبرباوری از عمده‌ترین مختصات فکری حاکم بر نامه‌هاست و هر جا سخن رخصت داده

و موضوع به زمینه جبر و اختیار و اراده آدمیان کشیده شده، نویسنده تمایلات جبریاروانه خود را بیان کرده؛ عباراتی از این نوع در متن نامه‌ها فراوان است: «العبد يُدَبِّرُ و الله يُقَدِّرُ» (ص ۱۹)، «و اوان وقوع قضا جز تسلیم و رضا چاره و دوایی نی» (ص ۶۰، ص ۸۴)، «حکم و قضای الهی که متضمن حکمت نامتناهی است» (ص ۶۰)، «چون از فضای قضا امری تقدیر رفته باشد جز متابعت فرمان درمان نباشد» (ص ۱۳۷)، «اما با مقتضیات تقدیر جز ساختن و گداختن چه تدبیر» (ص ۱۴۳).

### ۱۳- نتیجه‌گیری

نسخه منحصربه‌فرد جوامع‌الانشاء که تک‌نسخه آن به شماره ۴۳۰۱ در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه نگهداری میشود از آثار دیوانی عصر تیموری دربردارنده ۲۶۲ نامه مشتمل بر نامه‌های دیوانی، سلطانی و اخوانی است. نام صاحب اثر، حسین هروی است که نام و نشانی از او در هیچ‌یک از متون آن عصر دیده نمیشود و هویت او هنوز بر ما روشن نیست. نسخه جوامع‌الانشاء ترقیمه ندارد و نمیتوان تاریخ دقیق کتابت آن را مشخص کرد؛ اما با تکیه بر شواهد درون‌متنی میتوان گفت احتمالاً در فاصله سال‌های ۸۷۵ تا ۹۱۱ هجری، یعنی ربع پایانی قرن نهم و دهه آغازین قرن دهم نوشته شده است.

نگارنده در تحقیقات خود در موضوع ترسلات عصر تیموری دریافت که نسخه خطی شماره «۱۵۱۳س» کتابخانه مجلس با نام منشآت تیموری که شامل ۱۹۴ نامه است گزیده‌ای از جوامع‌الانشاء هروی است. همچنین در نسخه شماره «۶۷۵س» کتابخانه مجلس که مجموعه‌ای از مکاتبات تیموریان و ترکمانان است و در قرن سیزدهم کتابت شده، برخی از نامه‌های جوامع‌الانشاء آمده است. همچنین ۶۸ نامه نیز در منشآت جامی آمده است.

از نکات حائز اهمیت در نسخه جوامع‌الانشاء ثبت مثنوی‌ای بیست و نه بیتی از پوربهای جامی، شاعر صوفی مشرب سده هفتم است که حتی در نسخه خطی دیوان او نیامده است. نثر نامه‌ها به روال منشآت دیوانی در همه اعصار و بالتبع دوره تیموری، نثر منشیانة پرطمطراق آمیخته به انواع لغات بیگانه و صنایع ادبی است و اوج دشوارنویسی در این نوع ادبی در خطبه و مقدمه مکاتیب است. نامه‌های جوامع‌الانشاء آکنده از کلمات ترکی و مغولی و عربی است و جمعهای مکسر عربی، اصطلاحات و عبارات عربی و انواع مترادفات و اصطلاحات علوم و فنون از قبیل اصطلاحات نجومی در متن نامه‌ها بسامد بالایی دارد. ساختار بیانی بسیاری از جمله‌ها بر پایه اضافه تشبیهی است و نویسنده از انواع کنایات و سجع و موازنه و ترصیع و جناس و واج‌آرایی و تضاد و تنسیق‌الصفات و امثال فارسی و عربی در نثر خود بهره برده است. تلمیح به داستان‌های قرآنی و استفاده از آیات نیز از دیگر ویژگیهای نثر جوامع‌الانشاء است.

از نظر مختصات فکری نیز میتوان گفت تقدیرگرایی و جبرباوری مؤلف در تعدادی از نامه‌ها دیده میشود. همچنین ستایش بعضی صوفیان نظیر شیخ احمد جام نامقی و ابوسعید ابوالخیر و استناد به سخنان آنها و تأکید بر قوت معنوی اولیا و مشایخ، تمایلات صوفیانه مؤلف را نشان میدهد.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آتشکده آذر، بیگدلی، آذر، (۱۳۳۷)، چاپ افست، محمدعلی علمی، تهران: طبع جعفر شهیدی
- ۳- ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه، کهدویی، محمدکاظم، (۱۳۸۴) تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
- ۴- اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، نوایی، عبدالحسین، (۱۳۴۱)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۵- انواع نثر فارسی، رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، تهران: سمت
- ۶- «بررسی سبک ترسل اسفزاری»، مدبری، محمود، (۱۳۹۱) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره پیاپی ۱۶
- ۷- پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، فراهانی منفرد، مهدی، (۱۳۸۲)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۸- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۳)، تهران: فردوس
- ۹- تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، رضانی، محمد، (۱۳۶۶)، تهران: کلاله خاور
- ۱۰- تذکره روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا، (۱۳۴۳)، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی
- ۱۱- درآمدی بر دیوان سالاری در ایران، تنکابنی، حمید، (۱۳۸۳)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۲- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی، (۱۳۷۰)، تهران: امیرکبیر
- ۱۳- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، تهران: سخن
- ۱۴- «شگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن»، امید مجد و الهه آئین، (۱۳۹۱) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره اول
- ۱۵- عبر‌العاشقین، روزبهان بقلی (۱۳۳۷)، تصحیح هانری کرین و محمد معین، تهران: انستیتو ایران و فرانسه
- ۱۶- فرهنگ فارسی، معین، محمد، (۱۳۵۰)، تهران: امیرکبیر
- ۱۷- فن نثر در ادب پارسی، خطیبی، حسین، (۱۳۷۵)، تهران: زوار
- ۱۸- فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه نورعثمانیه استانبول، حسینی، سید محمدتقی، (۱۳۹۳) تهران: منشور سمیر
- ۱۹- فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانش‌پژوه، محمدتقی، (۱۳۴۸)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۲۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلد یکم)، دانش‌پژوه، محمدتقی و علمی انواری، بهاء‌الدین، (۱۳۹۰)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- ۲۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه نورعثمانیه، استانبول، بی‌تا.

- ۲۲- لغتنامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) زیر نظر محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۲۳- مثنوی نویافته‌ای از پوربهای جامی، ایمانی، بهروز، (۱۳۸۷)، گزارش میراث، مهر و آبان، دوره دوم، سال سوم، ش ۲۵ و ۲۶
- ۲۴- مجموعه رسائل الإمام الغزالی، ابوحامد غزالی، (۱۴۱۶ ق)، بیروت: دارالفکر
- ۲۵- معارف، بهاء‌الدین ولد، (۱۳۵۲)، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: کتابخانه طهوری
- ۲۶- معارف، محقق ترمذی، برهان‌الدین حسین، (۱۳۷۷)، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر دانشگاهی
- ۲۷- مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، قائم‌مقامی، جهانگیر، (۱۳۵۰)، تهران: انجمن آثار ملی
- ۲۸- نامه‌ها و منشآت، عبدالرحمن جامی، (۱۳۷۸)، مقدمه و تصحیح: عصام‌الدین اورونبایف و اسرار رحمانوف، تهران: میراث مکتوب
- ۲۹- هنر و مردم، دی ماه ۱۳۵۰، شماره ۱۱۱.